

نگاهی به اهداف اقتصادی امپریالیسم

اهداف اقتصادی امپریالیسم را می توان در سه هدف کلی بازن حشو و زواندش خلاصه نمود که عبارتند از: تحصیل مواد خام، گسترش بازار فروش انحصاری، بوجود آوردن زمینه برای سرمایه گذاری های سرمایه های اضافی.

در شکل اول امپریالیسم می کوشد، به ساده ترین و سهل الوصول ترین وسائل مواد خام را به قیمتی نازل از کشورهای «جهان مستضعف» خریداری کند، و در تبدیل آنها به کارهای ساخته شده مصرفی به قیمتی بسیار گزاف به همین کشورها به فروش برساند، برای تحقق این مسئله سیستم تجاری امپریالیستی مجبور است برای بدست آوردن هر چه بیشتر بازار برای فروش، دست به انحصار و قبضه بازارهای جهانی بزند. و در نتیجه این «سودبری» است که سرمایه های مازاد در کشورهای امپریالیستی، ایجاد میشود، اگر سیستم سرمایه داری در شکل تجاری اش دست به صدور این سرمایه ها نزند، تورم، ساختمان وجودی اش را از هم می پاشاند.

بطور خلاصه میتوان گفت محرک امپریالیسم تهیه مواد خام، تبدیل آن به کالاهای ساخته شده ارائه آن به مردم و بازارهای مختلف و ایجاد روحیه مصرفی و مصرف در کشورهای مختلف دنیا، و ایجاد یک نوع راحت طلبی که لازمه اش مصرف بیشتر و کسب سود بیشتر است که بخاطر رشد و نوپسیدگی اش باید این سود را به شکلی در کشورهای دیگر در شکل سرمایه گذاری های بزرگ بکار اندازد، مطالب فوق ترسیمی بود کوتاه از اهداف و مسیر حرکت سرمایه داری امپریالیستی، گرچه بسیاری از اقتصاد دانان معتقداند که این تسلسل و «سیکل بسته» بالاخره جهان سرمایه داری را به بن بست می رساند، ولی از زمانی که «علم اقتصاد» تبدیل به «ایدئولوژی توجیه گر» شد باید انتظار هرگونه به بن بست رسیدن سرمایه داری را از درون خودش از سر بیرون راند (۳).

بررسی اهداف اقتصادی امپریالیسم
۱ - تهیه مواد خام: حضور دائمی نمایندگان اقتصادی و سیاسی امپریالیسم، در کشورهای فقیر، حتی فرض کوچکترین امکان را از انسان سلب می نماید، که شاید در نقطه ای از جهان، کشوری بدون وابستگی به سیستم جهانی سرمایه داری بتواند به

* آنها که نابودی حرث و

نسل را به عهده گرفته اند فقط سه هدف دارند.

۱- تحصیل مواد ارزان.

۲ - گسترش بازار فروش

انحصاری برای کالاهای ساخته

شده ۳ - زمینه ای برای سرمایه

گذاری سرمایه های اضافی.

* رشد روابط داری

در جامعه صنعتی اروپا و آمریکا

بعد از قرن ۱۸ و دست اندازی و

توسعه طلبی این کشورها به

ممالک ضعیف باعث شد که در

قرن ۱۹ و ۲۰ غولها و

اختاپوسهائی بوجود آیند که اینک

سایه ننگین و شوم خود را بر

سرتاسر دنیا افکنده اند.

* امپریالیسم به سرکردگی

آمریکا به تعبیر امام شیطان بزرگ

است، شیطانی که باید او را

شناخت، چرا که شناخت «شرک»

است که راهگشای عمل خالص

توحیدی است.

رشد روابط سرمایه داری در جامعه صنعتی اروپا و آمریکا بعد از قرن ۱۸ و دست اندازی و توسعه طلبی این کشورها، به ممالک ضعیف و غنی از منابع طبیعی، باعث شد که در قرن ۱۹ و ۲۰، غولها و اختاپوسهائی بوجود آیند که اینک سایه ننگین و شوم خود را بر سرتاسر دنیا افکنده اند، سرمایه داری که در قرن ۱۷ و ۱۸ از خود در مقابل استثمار فئودالیزم غرب «چهره ای زیبا» عرضه می کرد از آن پس خود بدترین و زشت ترین چهره استثمار و عامل مسخ انسان ها گردید، آنچنانکه اکنون باید نام آن را به تعبیر امام «شیطان بزرگ» نامید شیطانی که باید او را شناخت، چرا که شناخت «شرک» است، که راهگشای عمل خالص توحیدی است. (۱)

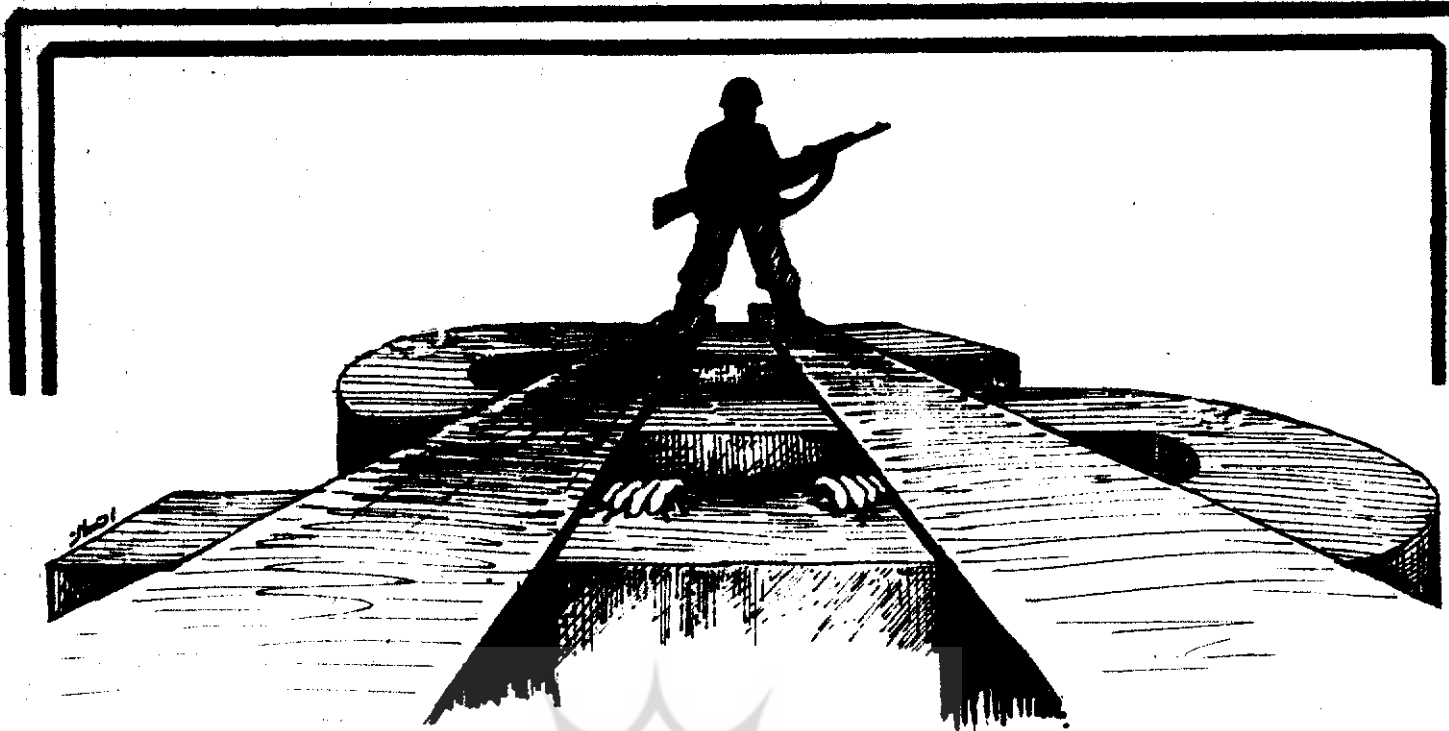
نگاهی کوتاه به تاریخ شکل گیری نظام

اقتصادی امپریالیستی:

گرچه تورسیسهای مارکسیست، بعد از لنین با تحلیل تاریخی «جزمی» خود معتقدند که امپریالیسم از پدیده های سرمایه داری نوین است که در اوائل قرن ۲۰ شکل گرفت (۲) ولی آن کسانی که در زمینه های اقتصادی، تاریخی، تحقیقاتی کرده اند این نظریه را رد می کنند، نظام سرمایه داری از بدو تاسیس، همان اهدافی را پی گیری کرده که اینک می کند و این شهادتی است بر این نظر، زول فری که بعدها نخست وزیر فرانسه شد، در سال ۱۸۸۵ در مجلس نمایندگان فرانسه عنوان کرد که ملل استعماری فقط سه هدف دارند، یعنی آنها که نابودی حرث و نسل را عهده گرفته اند فقط ۳ هدف دارند.
۱- تحصیل مواد خام ارزان. ۲- گسترش بازار فروش انحصاری برای کالاهای ساخته شده. ۳- زمینه ای برای سرمایه گذاری سرمایه های اضافی.
پس نظام امپریالیستی، دقیقا از زمانی شکل گرفت که فکر توسعه طلبی اقتصادی، به اندیشه سوداگران اروپائی و آمریکائی افتاد، و به این درک اقتصادی رسید که برای رشد تکنولوژی و صنعت باید راههای جدید استثمار را جستجو کند.

«اهداف کلی امپریالیسم»:

چنانکه قبلا از زبان زول فری یادآور شدیم،



نعم خود از منابعش استفاده کند، تجربه سه ساله انقلاب کبیر اسلامیان شاهی بارزیر این سخن است، توطئه هائی که امپریالیسم جهانی در طول این سه سال بر علیه امت مسلمان و انقلابی ایران انجام داد، و خود نشان می دهد که سرمایه داری جهانی در هیچ نقطه جهان نمی تواند، ملتی را با استقلال و آزادی ببیند، و همانطور که «امام» بارها تاکید کرده اند، آمریکا بر علیه ایران و جمهوری اسلامی توطئه می کند، چون یکی از منابع عمده نفتش را از دست داده است، منابعی که در موقعیت کنونی برای او جنبه حیاتی دارد، و بطور کلی تاریخ جنایت بار غرب در ۲ قرن گذشته حکایتی است مفصل از قربانی شدن انسان و انسانیت در مسلخ امپریالیسم. نابودی نسل سرخپوستان، فقط و فقط برای بدست آوردن کانوچودر امریکای لاتین، قتل عام آنها بخاطر طلا و... در امریکای شمالی مهد تمدن حقوق بشر!!! و قتل عام جنایتکارانه بومیان جزایر تاسمانیا تا آخرین نفس فقط و فقط برای بدست آوردن مواد خام بوده و هست ولی از نظر اقتصادی «خاصا» تهیه مواد خام از چند طریق انجام می پذیرد، اقتصاد دانان وجود مختلفی برای آن ذکر کرده اند، که می توان آن ها را در پنج تیر خلاصه نمود.

- ۱ - استخراج و تولید که خود دو صورت دارد الف - مستقیم ب - از طریق تامین کادر نفتی.
- ۲ - خرید که باز دو صورت عمده دارد الف - از بین بردن رقابت در سیستم مجانی سرمایه داری ب - درهم کوبیدن اقتصاد داخلی کشورهای مستضعف
- ۳ - نفوذ از طریق سرمایه گذاری بدست آوردن انحصار.
- ۴ - گسترش تک محصولی که به آن «کلتور»

نیز گفته میشود.
۵ - تقسیم منابع جهان.

۱ - استخراج و تولید
الف - مستقیم:

شرکتهای چند ملیتی، که از پدیده های سرمایه داری قرن ۲۰ میباشد، نمونه بارزی است از غارت ملتها به هرجای دنیا نظر بیفکنیم، بخوبی می بینیم که این شرکتها چگونه، مانند زالو هستی ملتهای مستضعف را می مکند، از منابع کشاورزی گرفته تا نفت و اورانیوم و مس و غیره.... شرکت آمریکائی نفت آرامکو بدون اینکه در کشور عربستان سرمایه گذاری نماید مستقیما نفت این کشور را به غارت می برد و نه تنها از نفت که از نیروی کار ارزان آنجا و بهتر بگوئیم منطقه اسلامی خاورمیانه بخوبی استفاده میکند، شرکت I T T در شیلی مستقیما مس آن کشور را به غارت می برد در سال ۱۹۷۳ وقتی با مبارزات آندو مواجه شد با ترتیب دادن کودتائی آندو را به قتل رسانید و با ایجاد حکومتی دست نشانده غارت مسدود شده را از سرگرفت، معادن آهن موزامبیک، در زمان استعمار پرتغال (تا همین چند سال قبل) به شرکت «سومیتومو» ژاپن تعلق داشت و جنگلها و کانوچو لیبریا مربوط به شرکت فایرستون است، و حتی ملکیت آن نیز به شرکت فایرستون فروخته شده است. یا معادن آهن لیبریا متعلق به شرکت های آمریکائی است شرکت دیامونگ در رودزیا و آنگولا و شرکت لونرود در رودزیا و زامبیا مشغول استخراج هستند و درصد کمی از این شرکتها نیز به شیخهای کویت تعلق دارد نمونه های استخراج

مستقیم یا کشت و کار مستقیم را در هر کشوری از کشورهای جهان سوم در شرایط فعلی یاد گذشته آن میتوان یافت هنوز مزارع و باغات آناناس سوازیلند به آمریکا و انگلیس و مزارع کشتزارهای گوانتالا به یونایتد فروت متعلق است و هنوز جنایات شرکت معدنی بلوئیک در اوایل ۱۹۶۰ در کنگو آرزوز و زئیر امروز از خاطره ها محو نشده است که بخاطر حفظ معادن مس کاتانگا لومومبا را که روح مجسم مبارزات آفریقا بود به شهادت رسانیدند و چومبه را برای حفظ منافع خود بوجود آوردند و آمریکائی جنایتکار از سازمان ملل بصورت چاقی استفاده کرد تا منافع امپریالیستی خویش را نگهداری نماید. ادامه دارد.

پاورقی:

- ۱) اشاره به روایت امام جعفر صادق (ع) در اصول کافی که می فرمایند: ان بنی امیه اطلقوا فی الناس تعلیم الامان و لم یطلقوا فی الناس تعلم الشرك لکی اذا حملوهم علیه لم یعرفوا.
- ۲) نظریه مارکسیستی امپریالیسم - نام کمپس در کتاب سرمایه داری در بونه نقد.
- ۳) پل سوئیزی در «گامی در راه نقد علم اقتصاد» جمله زیبایی دارد می گوید: «من فکر می کنم از زمانیکه میتوانم آنرا «انقلاب ماروزینالیستی» سالهای دهه ۱۸۷۰ بنامیم، اقتصاد موجودیت خود را بعنوان یک علم از دست داد و دراصل تبدیل به یک آیدئولوژی توجیه گر شده قرار گرفتن هماهنگی، تعادل و اعتقاد به تغییرات تدریجی در قلب موضوع یا بوسیله ضرورت علمی مبتنی بر وفادار بودن بواقعیت دیکنه نشده، بلکه بخاطر نیاز روزروازی و زیبا جلوه دادن و توجیه این نظام، تحمیل گردید نظامی که همه چیز بود جز هماهنگی و تعادل و تدریج گرا!!! (نگاه کنید به همین مقاله در کتاب سرمایه داری در بونه نقد)»
- همچنین به کتاب به سر عمل آمدن سرمایه داری مراجعه کنید، دکتر علی شریعتی